

طراحی الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی

عباس حضرتی^۱، سیداحمد هاشمی^{۲*}، عباس قلتاش^۳، علی اصغر ماشینی^۴

A. Hazrati¹, S.A. Hashemii^{2*}, A. Gholtash³, A.A. Mashinchi⁴

پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۰۷/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۲۰

Received Date: 2020/05/09

Accepted Date: 2020/09/29

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر طراحی الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی است. **روش:** این پژوهش دارای رویکرد کیفی بوده و از روش گراند تئوری به عنوان روش تحقیق استفاده شده است. حوزه مورد پژوهش شامل کلیه صاحب نظران و اساتید حوزه برنامه درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی بود که با روش نمونه گیری هدفمند، اساتیدی که شرایط مورد نظر را داشتند مورد مصاحبه نیمه ساختاریافته و اکتشافی قرار گرفتند که با رسیدن به اشباع نظری یافته‌ها، تعداد نمونه‌های پژوهش به ۱۵ نفر رسید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه، از روش‌های سه مرحله‌ای کدگذاری (باز، محوری و انتخابی) استراوس و کوربین (۱۹۹۲) استفاده شد و نهایتاً الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی طراحی گردید.

یافته‌ها: نتایج حاصل از بررسی الگوی ارائه شده نشان داد که از میان مقوله‌های موجود در برنامه‌های درسی، محتوای پژوهش کاربردی، روش تدریس و روش ارزشیابی بعنوان علی تلقی می‌شوند که نقشی فعال در الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی داشته و تا این عوامل مهیا نشوند برنامه درسی پژوهش کاربردی محقق نمی‌شود. همچنین بایستی تشویق‌های پژوهش محور دانش آموزان و برقراری ارتباط دانش آموزان با منابع علمی بعنوان راهبرد؛ و حمایت مدیران مدارس، طراحی ساختار مدارس براساس فعالیت‌های پژوهشی و مربیان آموزش دیده در حوزه تخصصی پژوهش کاربردی بعنوان تسهیل گر؛ و انگیزش، نگرش و ارزش‌های پذیرندگان و همچنین توسعه مهارت‌های پژوهشی بعنوان بستر در نظر گرفته شوند. قابلیت اعتماد یافته‌ها به روش‌های مشارکت طولانی و مشاهده مداوم در میدان تحقیق، بررسی همکاران و تایید مشارکت کنندگان تایید شد.

کلید واژه‌ها: برنامه درسی، پژوهش کاربردی، دانش آموزان دوره ابتدایی.

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران.

۴. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد لامرد، دانشگاه آزاد اسلامی، لامرد، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

بشر از آغازین لحظات حیات خود، روحیه جستجوگری را یافته و همواره در پی پاسخ به سوالات متعدد جهت شناخت بیشتر خود و پیرامون خود می‌باشد و با افزایش سن عقلی وی، این روحیه در او تقویت می‌شود (Mehr Mohammadi, 2014). ولی چرا با ورود به مدرسه، بجای رشد و ارتقای این ویژگی، رفته رفته این روحیه را از دست داده و بجای پژوهشگری بیشتر به حفظیات و یادگیری بدیهیات روی می‌آورد؟ این امر سبب تضعیف قدرت حل مسئله دانش‌آموزان شده و مهارت تفکر ایشان را به مهارت حفظ کردن بدل می‌نماید. این مشکل به نظام آموزشی کشور باز می‌گردد که عمدتاً بر پرورش حافظه دانش‌آموزان تاکید دارد که به همین دلیل قدرت فکری دانش‌آموزان رشد نکرده و در نهایت در محصولات نظام آموزشی کشور، که همین دانش‌آموزان می‌باشند، قدرت تصمیم‌گیری رشد پیدا نکرده و پیامد آن عدم موفقیت کامل در زندگی خواهد بود (Hashemi, 2019).

به عبارت دیگر آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی، از طریق تربیت فرزندان و آینده سازان جامعه، نقش بسزایی در بقاء و پیشرفت آن ایفا می‌کند. بطوری‌که پیشرفت هر جامعه در گرو نوع و چگونگی فعالیت‌هایی است که در مدارس و مراکز آموزشی، و در طی دوره‌های تحصیلی مختلف انجام می‌گیرد (Marzoughi, Torkzadeh, Jabari and Norouzi, 2019). از دیگر سو، نهاد آموزش و پرورش نیز در جامعه برای توسعه و رشد خود نیاز به پژوهش و تحقیق دارد، زیرا "زیربنای تصمیم‌گیری‌های درست و بجا در سازمان‌ها، پژوهش‌های کاربردی است" (Delavar, 2011). و چه بسا، درغیراین صورت، نهاد آموزش و پرورش اگر به عقب برنگردد، حداقل در جای خود درجا خواهد زد و از نوآوری و خلق فرصت‌های جدید یادگیری برای دانش‌آموزان دور خواهد ماند.

نکته مهمی که نباید از نظر دور داشت این است که مسئله "عدم تاثیرگذاری تحقیقات و پژوهش بر عمل آموزشی، موضوعی نسبتاً فراگیر است که غالباً همه‌ی نظام‌های آموزشی را با خود درگیر نموده است" (Salsabili, 2014). دلیل اصلی ایجاد این مشکل، به ضعف برنامه درسی در حوزه پژوهش باز می‌گردد که با عنایت به سرعت شتابنده پیشرفت تکنولوژی و عقب ماندگی ملموس آموزش در مدارس از سواد تجربی دانش‌آموزان نسبت به تکنولوژی، خلاء پژوهش بیشتر حس خواهد شد و با در نظر گرفتن این مسئله مهم که "آموزش ابتدایی زیربنای آموزش در مدارس را تشکیل می‌دهد" (Mohammadi, Keykha, and Alipour Moghadam, 2016) و همچنین با در نظر گرفتن حساسیت‌های ویژه آموزش در دوره ابتدایی، نیاز به آموزش علمی پژوهش در این مقطع بیش از پیش احساس می‌شود. علیرغم این که در سال‌های اخیر و با تغییر در سیستم آموزشی ایران در دوره ابتدایی و افزایش سنوات آموزشی این مقطع از ۵ سال به ۶ سال و نیز افزودن درس تفکر و پژوهش در پایه ششم ابتدایی به مواد درسی دانش‌آموزان سعی شده تا حدودی این خلاء پر شود، ولیکن همچنان این خلاء در نظام آموزش و پرورش دوره ابتدایی ایران احساس می‌شود.

آموزش ابتدایی به عنوان اولین مرحله آموزش همگانی جهت کودکان شش تا دوازده ساله مطرح است (Mazbouhi, 2017). آموزش ابتدایی کودکان را برای مقاطع بالاتر آماده می‌کند و چنانچه از نظر کمی و کیفی در سطح بالاتری ارائه شود، نه تنها افت تحصیلی و ترک تحصیل در مقاطع بعدی کمتر می‌شود بلکه چنانچه آموزش ابتدایی در سطح گسترده و با کیفیتی صورت بگیرد می‌تواند موجبات توفیقات آموزشی دانش‌آموزان در مقاطع بالاتر شود، ولیکن به لحاظ ویژگی‌های بدنی و ذهنی و تحول روانی که مختص دانش‌آموزان این مقطع تحصیلی است، آموزش دانش‌آموزان این دوره نیازمند توجه به ظرافت‌های خاصی می‌باشد (Saadatmand and Tigh Bakhsh, 2017). بر همین اساس، با عنایت به اهمیت و ظرافت‌های موجود در آموزش ابتدایی، پژوهش کاربردی و نهادینه نمودن آن به عنوان یک فرهنگ نزد دانش‌آموزان، نیازمند توجه به این مقوله در چارچوب عناصر اصلی برنامه درسی می‌باشد. برنامه درسی از ریشه لاتین *currere* به معنای راهی که باید طی شود گرفته شده است (Maleki, 2016). منظور از طرح برنامه درسی، شکل مدون یا ساختار برنامه درسی است (Mehr Mohammadi, 2014) و برنامه ریزی درسی به یادگیری و طراحی عناصر و عوامل مختلف آن مربوط می‌شود (Maleki, 2016) و زمانی که در خصوص عناصر برنامه درسی و چگونگی تعیین و تشخیص هریک از عناصر تصمیم‌گیری می‌شود، فی الواقع وارد مقوله طراحی برنامه درسی شده‌ایم (Mirza Beigi, 2005).

کلاین عناصر برنامه درسی را در قالب نه عنصر اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، مواد آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا طبقه‌بندی کرده است (Klein, 1991)، حال آنکه براساس نظر زایس برنامه درسی از هر نوعی که باشد ضرورتاً دارای چهار عنصر «هدف، محتوا، روش‌های یادگیری و روش ارزشیابی» است (Zais, 1976).

همچنین، «پژوهش در لغت به معنای درست کردن، رسیدن، بر رسیدن، تحقیق، واری کردن، رسیدگی، بررسی و مطالعه حقیقت و واقعیت است» (Delavar, 2011) و پژوهش کاربردی، پژوهشی است که با استفاده از نتایج تحقیقات بنیادی به منظور بهبود و به کمال رساندن رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌شود (Hafez Nia, 2003). از مرور مطالعات و تحقیقات صورت گرفته توسط سایر پژوهشگران در حوزه برنامه درسی اینگونه برمی‌آید که می‌بایست به مقوله پژوهش کاربردی به‌عنوان یک راهبرد مهم و تاثیرگذار در تامین نیازهای دانش‌آموزان در مدارس دوره ابتدایی پرداخته شود. (Javdani, Foulad Chang and Marzoughi, 2019) طی تحقیقی اثر تامین نیازهای پنج گانه دانش‌آموزان یعنی نیاز به بقاء، عشق و تعلق، قدرت، آزادی و شادی بر بهبود عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را مورد بررسی قرار داده و اینچنین نتیجه گرفته‌اند که توجه به تامین نیازهای اساسی دانش‌آموزان در طراحی برنامه درسی مبتنی بر مدیریت فرایندهای یاددهی - یادگیری، علاوه بر اینکه می‌تواند زمینه توسعه توانمندی‌ها و تقویت مهارت‌های اساسی دانش‌آموزان برای تبدیل شدن به شهروندانی متعهد، فعال، مسئولیت پذیر، مشارکت جو، خلاق، مساله گشا، اهل تفکر و تامل، دارای روحیه تفکر انتقادی و مهارت

های فراشناخت شود، بلکه می‌تواند باعث انگیزش درونی و افزایش سطح درگیری و مشارکت فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری و در نتیجه بهبود عملکرد تحصیلی آنها نیز شود.

طی تحقیقی (Maleki, Ghazi Ardekani, Sadeghi and Dortaj (2016 با موضوع رویکرد پژوهش محوری در آموزش: ماهیت، ضرورت‌ها، مؤلفه‌ها و راهکارهای تربیتی، اینگونه نتیجه گرفته‌اند که در دنیای امروز به دلیل روبرو شدن افراد به خصوص دانش‌آموزان با عامل تغییر و دگرگونی؛ سبک آموزش سنتی دیگر جوابگو نیست و لازم است دانش‌آموزان به اهرمی به نام تفکر ورزیدن و تفکر خلاق مجهز شوند تا ضمن کسب مهارت‌های تفکر و حل مسائل، کارایی لازم را در پاسخ به تغییرات محیطی داشته باشند. رویکرد پژوهش محوری رویکردی است که لزوم کاویدن محیط و موقعیت‌های آن را برای دانش‌آموزان به ارمغان می‌آورد و در آن به جای انباشت اطلاعات در ذهن، نحوه یادگیری و یا به عبارتی یادگیری یادگرفتن را مدنظر قرار می‌دهد و مشخصاتی همچون پویایی، همکاری و مشارکت، تکامل دانش و مهارت، پرسشگری، تفکر انتقادی، تحکیم ساخت شناختی و حل مسئله را دارد.

در تحقیقی (Shokrollahi Yancheshmeh, Mohamadkhani and Salmani (2016 نتیجه گرفته‌اند که با توجه به نیاز معلمان به آموزش روند پژوهش، جهت ارتقا و بهبود فرایند امور پژوهشی در بین معلمان دوره ابتدایی، لازم است که نسبت به آموزش این امور در چارچوب تدوین برنامه‌های درسی مرتبط با پژوهش، با اهتمام ویژه به دوره‌های ضمن خدمت از قبیل اقدام‌پژوهی و درس‌پژوهی اقدامات لازم صورت گیرد. (Aadelipoor and et al (2016 طی تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که میزان استفاده معلمان ابتدایی از رویکرد پژوهش محور در تدریس در سطح متوسط است. همچنین میزان استفاده از رویکرد پژوهش‌محوری در زیر مقیاس‌های نحوه پرسیدن سؤال و فعالیت‌های گروهی در سطح بالا، در زیر مقیاس‌های نحوه آغاز تدریس، پاسخ‌دهی به مسائل، انجام آزمایش‌ها، نوع تکالیف، نحوه انجام ارزشیابی و مکان تدریس در سطح متوسط و در زیرمقیاس چیدمان کلاس در سطح ضعیف است. (Ayatollahi, Amini and Salari Chineh (2015 در تحقیقی به این نتیجه دست یافتند که درحالی که تعلیم و تربیت سنتی فرایند تربیت را انتقال دانش و هدف آنرا رشد ذهنی فراگیران می‌داند، تعلیم و تربیت پژوهش محور، پرورش قدرت استدلال و توسعه ظرفیت‌های انسانی برای پژوهش را مورد تاکید قرار می‌دهد. (Moradi, Ansarian, Nikian and Imani (2015 طی تحقیقی با موضوع رویکرد پژوهش‌محوری و رشد و تعالی سیستم آموزشی، ضرورت تحول در سیستم آموزشی و چالش‌های موجود در نظام آموزشی را مورد بحث قرار دادند و برای اشاعه فرهنگ پژوهش‌محوری در نظام آموزشی، لزوم تهیه محتوای آموزش مبتنی بر پژوهش و روش‌های موثر تدریس پژوهش‌محور را پیشنهاد نمودند. (Jafari, Samadi and Ghaedi (2015 طی تحقیقی تحقیق نشان دادند که آموزش فلسفه به کودکان بر پرورش بعد شناختی (کنجکاوی، پرسشگری، استدلال کردن، تفکر انتقادی، خلاقیت، علاقه به آزمایش و تجربه) و بعد عاطفی (علاقه به نظم و ترتیب، اشتیاق، مشارکت جویی،

استقلال رای، اعتماد به نفس، ابراز وجود) روحیه پژوهشگری کودکان دوره پیش دبستانی تأثیر دارد و به طور کلی اجرای این برنامه بر پرورش روحیه پژوهشگری این کودکان تأثیرگذار بوده است. (Makhzan 2014) طی تحقیقی به آسیب شناسی فرهنگ پژوهش در مدارس بر اساس مدل سه شاخکی پرداخت و اینچنین نتیجه گرفت که مدرسه با فرهنگ خاص خود به عنوان یکی از عوامل اجتماعی شدن و همچنین مرکزی برای آماده سازی نسل فردا نقش عمده‌ای را می‌تواند ایفا کند و شناخت کاستی‌ها و موانع پژوهش در مدارس، تابعی از نظام اجتماعی است. وی در تحقیق صورت گرفته با بکارگیری از الگوی سه شاخکی هاریسون، آسیب شناسی را در سه عامل ساختار، محتوا و زمینه فعالیت‌ها در مدارس مورد بررسی قرار داده و عدم حمایت مدیران و موانع ناشی از بروکراسی اداری را بعنوان چالش‌های پژوهش در مدارس معرفی نموده است. (Yousefzadeh 2011) طی تحقیقی به این نتیجه دست یافته که تولید برنامه‌های درسی پژوهش محور نیازمند توجه به نقش معلمان، محتوا، سازماندهی محتوا، شیوه‌های تدریس، موقعیت و فضای یادگیری و نحوه ارزشیابی پژوهش محور است. (Azimi Yancheshmeh, Amirpoor and Mamizadeh 2011) طی تحقیقی با موضوع علل کمبود روحیه پژوهشگری و راهکارهای افزایش آن در دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که روحیه پژوهشگری دانشجویان بسیار کم است و علت‌هایی از قبیل عدم سرمایه گذاری‌های لازم و انگیزه و ترغیب دانشجویان بیشترین فراوانی را در این امر دارند.

طی تحقیقی (Abdollahi 2011) اینچنین نتیجه گرفته است که در هزاره سوم، در نظام‌های آموزشی پیشرو، آن چه بیش از پیش توجه صاحب نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است، دوری جستن از روش‌های سنتی حافظه پروری و تأکید بر روش‌های حل مسئله است که مستلزم بکارگیری روش‌های پژوهشی در فرایند یاددهی و یادگیری در کلاس درس است. انتظار می‌رود و باید نظام آموزشی مهارت‌ها، اصول و نگرش پژوهندگی برای آموختن، اندیشیدن و چگونه یادگرفتن را در فراگیران ایجاد کند. (Yidana and Aboagye 2018) در پژوهشی با موضوع مدیریت تغییر برنامه درسی: مکانیزمی برای اطمینان از پیشرفت مداوم در دانشگاه‌های کشور غنا؛ اینگونه نتیجه گرفتند که برای اطمینان از پیشرفت مداوم در دانشگاه‌ها لازم است تا نظام طراحی برنامه درسی دستخوش تغییر شده و محتوای برنامه‌های درسی، به نحوی مورد بازنگری قرار گیرند که با تجارب زندگی دانشجویان ارتباط داشته و پاسخگوی نیازهای روزمره دانشجویان باشند. (Segev 2016) در پژوهشی به زیرساخت‌های آموزش و پرورش پژوهش محور پرداخته و در نتایج بدست آمده از تحقیق نشان داد که برای استقرار عدم تمرکز در آموزش و پرورش و همچنین بمنظور ارزیابی تأثیر سیاست‌های جایگزین، یک پایگاه اطلاعات ارزشمند و گسترده لازم است. (Stokking, Schaaf, Jaspers and Erkens 2004) در تحقیقات خود نشان دادند که اجرای برنامه درسی پژوهش محور برای معلمان بسیار موفقیت آمیز بوده و براساس نتایج حاصل از تحقیق صورت گرفته، اجرای برنامه درسی پژوهش-محور در موفقیت دانش‌آموزان و شور و اشتیاق آنان در طی یادگیری موثر بوده است. (Schuyten)

2001) در پژوهش خود به مطالعه ی موردی ۲۳ دانش آموز ابتدایی پرداخت. وی در این مطالعه روش کاوشگری را با آموزش اینترنتی تلفیق کرد. یافته‌های او نشان داد سطح درگیری، فعالیت و موفقیت دانش‌آموزان در مقایسه با نتایج آموزش به شیوه سنتی و منابع سنتی افزایش می‌یابد. (D. Ritzhaupt and Florence, 2014) طی تحقیقی اینچنین نتیجه گرفتند که آموزش مبتنی بر پژوهش، مهارت‌های کلیدی از قبیل دانش مربوط به روش‌ها و نظریه‌های آموزشی و همچنین مهارت‌های نرم افزاری و توانایی کار در یک محیط تیم‌گرا را بوجود می‌آورند.

به عبارت دیگر، آموزش شیوه پژوهش به دانش‌آموزان مستلزم آموزش مبتنی بر پژوهش است (Hashemi and Hazrati, 2015). آموزش مبتنی بر پژوهش نه تنها باعث ایجاد مهارت حل مسئله در دانش‌آموزان می‌شود، بلکه یادگیری نحوه پژوهش توسط دانش‌آموزان موجب تقویت تفکر انتقادی و تفکر خلاق و قدرت حل مسئله در دانش‌آموزان خواهد شد (Abbasi Esfjir and Jafari Rostami, 2016). فلذا با توجه به نیازهای دانش‌آموزان در دوره ابتدایی، برنامه درسی در آموزش ابتدایی با رویکرد دانش‌آموز محور و سازنده‌گرا و با هدف بهبود مهارت‌های دانش‌آموزان در تفکر انتقادی، تفکر خلاق، ارتباطات، حل مسئله، استفاده از فناوری-های اطلاعاتی و ایجاد فرصت‌هایی برای یادگیری دانش‌آموزان، برای اینکه با عمل و تجربه یادگیرند، تنظیم شده است (Backanak, 2013). ولیکن در عمل حاصل اجرای برنامه درسی (در دوره ابتدایی) منجر به نهادینه شدن فرهنگ پژوهش نزد دانش‌آموزان نشده است (Abbasi Esfjir and Jafari Rostami, 2016) که این امر نشانگر ضعف برنامه درسی جهت تحقق اهداف آموزش و پرورش در دوره ابتدایی می‌باشد.

از دیگر سو، "کتاب‌های درسی همواره نقش اساسی در فرایند تعلیم و تربیت دارند و مهمترین مرجع یادگیری بشمار می‌آیند" (Dibaei, Jafari Sani and Rashidi, 2010) و با عنایت به اینکه "انتخاب یک استراتژی کارآمد جهت حصول نتیجه در امر آموزش، مستلزم طراحی الگویی متناسب با عناصر برنامه درسی می‌باشد" (Hashemi, 2015)، بر همین اساس در پژوهش حاضر تلاش شده تا الگوی پیشنهادی برنامه درسی «پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی» بعنوان الگویی جهت بهره‌برداری در مدارس دوره ابتدایی به منظور توانمند سازی ایشان و همچنین متناسب با سن عقلی دانش‌آموزان دوره ابتدایی، با مطالعه و بررسی متون مختلف در باب موضوع پژوهش و همچنین با استفاده از نظرات برخی از صاحب‌نظران و اساتید دانشگاه فرهنگیان و پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش طراحی گردد. بدین جهت پرسش مهمی که مطرح می‌شود آنست که الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی چگونه است؟ و عناصر الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی کدامند؟

روش پژوهش

از آنجا که پژوهش حاضر با هدف اکتشاف و تدوین یک الگوی بومی جهت برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده و قصد محقق، کشف موضوع تحقیق با نظر مشارکت-کنندگان بوده است، روش کیفی با استراتژی گراند تئوری یا نظریه برخاسته از داده‌ها^۱ برای انجام آن مناسب به نظر می‌رسد. دلیل انتخاب گراند تئوری به منظور استخراج رویکرد نظری جدید در این زمینه است که می‌تواند منجر به تدوین الگویی برخاسته از نظرات صاحب‌نظران و اساتید حوزه برنامه درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی شود. حوزه مورد مطالعه در پژوهش حاضر، شامل کلیه صاحب‌نظران و اساتید حوزه برنامه درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی بوده است و ابزار مورد استفاده، برای جمع-آوری داده‌های مورد نیاز، علاوه بر فیش‌های مطالعاتی و اسناد و مدارک، مصاحبه نیمه ساختاریافته و اکتشافی بود و جامعه آماری در پژوهش جهت مصاحبه، از میان افرادی انتخاب شدند که در سه رشته برنامه‌ریزی درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی دارای رتبه علمی دانشیاری و استادیاری در دانشگاه فرهنگیان و پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش هستند. فلذا نمونه آماری از میان مشارکت‌کنندگان در پژوهش که در زمینه برنامه‌ریزی درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی، صاحب تالیف و تحقیق بودند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند که با رسیدن به اشباع نظری یافته‌ها، تعداد ایشان به ۱۵ نفر رسید که ۶ نفر از ایشان متخصص در رشته برنامه‌ریزی درسی، ۶ نفر صاحب-نظر و متخصص در زمینه‌ی آموزش ابتدایی و ۳ نفر متخصص در رشته مدیریت آموزشی بودند؛ همچنین ۸ نفر از ایشان از اساتید دانشگاه فرهنگیان و ۷ نفر از اعضای هیات علمی پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش هستند.

محقق ابتدا مفاهیم مورد نیاز را با مطالعه کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی منابع چاپی و الکترونیکی بر اساس فیش برداری، در خصوص برنامه درسی و پژوهش کاربردی و الگوها و رویکردهای مختلف مربوط به برنامه درسی و ادبیات مرتبط با موضوع تحقیق به طور همه‌جانبه گردآوری نموده و مولفه‌های برنامه‌ی درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی را مورد شناسایی قرار داد و بر اساس آن‌ها از متخصصین رشته‌های برنامه‌ریزی درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی مصاحبه به عمل آمد. محقق برای جمع‌آوری داده‌ها از روش مصاحبه عمیق متون استفاده نمود و مفاهیم و سازه‌های آموزش پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی را استخراج، طبقه‌بندی و کدگذاری کرد. داده‌ها از طریق فرایند کدگذاری مبتنی بر روش داده بنیاد (Strauss and Corbin (1992) مورد تحلیل قرار گرفت. البته پژوهشگر هم‌زمان با گردآوری داده‌ها، کار تحلیل داده‌ها را آغاز نمود که در واقع این فرایندی «رفت و برگشتی^۲» است، رفتن به میدان برای گردآوری اطلاعات بیشتر، بازگشت به دفتر کار پژوهشگر برای تحلیل داده‌ها، مراجعه مجدد به میدان برای گردآوری

1. Grounded Theory

2. Zigzag

اطلاعات بیشتر، بازگشت به دفتر کار پژوهشگر و به همین ترتیب کار دنبال شده است. بر همین اساس مدل برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت پذیرفت. در کدگذاری باز، مصاحبه‌های انجام شده با صاحب‌نظران و اساتید حوزه برنامه درسی و آموزش ابتدائی و مدیریت آموزشی مورد بررسی قرار گرفت و براساس برداشت‌های محقق، هر خط در قالب یک مفهوم مرتبط کدگذاری شد و سپس در مرحله بعد مفاهیمی که دارای ایده مشترک بودند در سطحی با انتزاع بالاتر دسته‌بندی شدند و مقولات اولیه را تشکیل دادند و در نهایت بر اساس اشتراکاتی که میان مقولات اولیه وجود داشت، مقوله‌های اصلی یا تم‌ها شکل گرفتند و در الگوی پارادایم داده بنیاد صورت بندی شدند.

در روش داده بنیاد، اعتبارسنجی^۱ بخشی فعال از فرایند پژوهش است که به همین منظور پژوهشگر در پژوهش حاضر برای اعتبارسنجی یافته‌ها در مرحله کدگذاری باز به شیوه مقایسه‌ای مستمر^۲ به تطابق همگونی میان اطلاعات و مقوله‌های بدست آمده پرداخت. مقایسه مستمر اشاره دارد به این که پژوهشگر وقایع، رویدادها و فعالیت‌ها را شناسائی کرده و مستمراً^۳ آن‌ها را با یک طبقه نوظهور مقایسه می‌کند، بدین ترتیب آن طبقه را شکل داده و اشباع کند (Creswell, 1994). در این پژوهش جهت اطمینان از روایی پژوهش اقدامات ذیل صورت گرفت:

(۱) تطبیق توسط اعضا^۴: در این مرحله پژوهشگر از دیدگاه مشارکت‌کنندگان برای برقرار ساختن اطمینان-پذیری یافته‌ها و تفاسیر استفاده می‌کند (Creswell, 1994). بدین منظور در پژوهش حاضر سه نفر از مشارکت‌کنندگان، گزارش نهایی مرحله نخست فرایند تحلیل مقوله‌های بدست آمده را بازبینی کردند و پیشنهادهای آنها در پارادایم کدگذاری اعمال گردید.

(۲) بررسی همکار^۴: این مرحله نوعی کنترل بیرونی بر فرایند پژوهش است، (Creswell (1994) این نقش را همانند نقش «منتقد مدافع»^۵ می‌داند؛ بدین صورت که فردی که با پژوهشگر صادق است سوال‌های چالش برانگیز در مورد روش‌ها، معانی و تفاسیر می‌پرسد که بدین منظور در پژوهش حاضر سه نفر از اساتید دانشگاهی، پارادایم کدگذاری را بررسی نموده و نظرات ایشان در تدوین مدل مورد استفاده قرار گرفت.

لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر ملاحظات اخلاقی نیز مدنظر قرار گرفت که در واقع این امر نشان‌دهنده میزان و چگونگی احترام پژوهشگر به مشارکت‌کنندگان در پژوهش است. بر همین اساس در انتهای مصاحبه، نامه‌ای با امضای پژوهشگر مبنی بر تعهد اخلاقی در نگهداری مفاد مصاحبه و مشخصات مشارکت‌کنندگان و عدم انتشار آن به ایشان ارائه شد.

1. Validation

2. Constant Comparative Method

3. Member Checking

4. Peer Debriefing

5. Devils Advocate

یافته های پژوهش

سوال اصلی پژوهش عبارت از آن بود که الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی چگونه است؟ و عناصر الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی کدامند؟ برای پاسخ به این سوالات لازم است فرایند کدگذاری و استخراج تمها و طبقات توضیح داده شود.

کدگذاری باز^۱ داده‌ها: در پژوهش حاضر جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به طور همزمان صورت گرفت. در این فرایند، کدهایی که اشتراک مفهومی داشتند در ذیل یک مقوله جای گرفتند و بدین ترتیب مقولات متعددی شکل گرفتند. براساس مفهومی که در این گام حاصل گردید مقوله‌های اولیه شکل گرفتند. نتیجه این مرحله، خلاصه کردن انبوه اطلاعات کسب شده از اسناد به درون مفاهیم و دسته‌بندی‌هایی است که در این سوالات، مشابه هستند. کدگذاری باز، موضوعات و مفاهیم را از عمق داده‌ها به سطح آورد. این موضوعات و مفاهیم از پرسش اولیه تحقیق و مفاهیم در ادبیات و مصاحبه‌های انجام گرفته، اخذ شده‌اند. کدگذاری باز و مقوله‌پردازی داده‌ها، در جهت شناسایی معیارها و زیرمعیارهای تبیین الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی انجام گرفت. در این بخش اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌های انجام گرفته در زمینه پژوهش، شامل ۴۶ مفهوم شد که در جدول (۱) ارائه می‌شود.

جدول ۱ - کدگذاری اولیه

کد	مفاهیم استخراج شده
۱	انطباق سیاست‌های نظام آموزشی با برنامه‌ی درسی پژوهش‌های کاربردی
۲	پرورش مهارت و روحیه پرسشگری دانش آموزان
۳	مدیریت منابع انسانی مبتنی بر برنامه‌ریزی درسی پژوهش‌های کاربردی و تقویت توانایی منابع انسانی در ایجاد محیط مناسب برای طراحی و اجرای برنامه‌های درسی پژوهش محور
۴	وجود ساز و کارهای تشویقی (مادی و معنوی یا تشویق پژوهشی) در خصوص به مشارکت واداشتن معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی درسی پژوهش‌های کاربردی
۵	تنظیم ساختار سازمانی و طراحی محیط آموزشی براساس رویکرد غیر پژوهش محور
۶	مرتبط بودن با تجارب زندگی واقعی دانش آموزان
۷	تناسب داشتن موضوعات و محتوای دروس با تجارب گذشته دانش آموزان
۸	افزایش سهم مشارکت معلمان در تدوین محتوای برنامه‌ی درسی پژوهش محور
۹	ارائه شواهد و دلایل تجربی در فعالیتهای آموزشی
۱۰	ایجاد فضا برای تبیین مساله و ارائه فرضیه جهت دستیابی به نتایج عملی

^۱. Open coding

۱۱	توجه توأمان به گستره وعمق مفاهیم و اصول علمی
۱۲	توجه به نیازها و علایق دانش‌آموز و ارائه در یک قالب روشی
۱۳	استفاده از روش‌های مساله محور و ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در مباحث
۱۴	آموزش براساس فرآیند پروژه و تحقیق به منزله جزء لاینفک آن
۱۵	آغاز فرآیند آموزش با مسئله و سؤال به ویژه سؤالات چالش برانگیز برای عدم تعادل در ذهن
۱۶	استفاده از الگوهای فعال تدریس و آموزش برای تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، نوآوری، کنکاش و جستجوگری
۱۷	تاکید بر یادگیری از طریق حل مساله و انجام پژوهش
۱۸	توجه به نقش معلم به عنوان تسهیل کننده و راهنما
۱۹	توجه به ایجاد فهم و برقراری ارتباط بین مطالب علمی و توجه به نقش حواس
۲۰	توسعه مهارت‌های فرایندی
۲۱	تاکید به استفاده از پوشه فعالیت
۲۲	تاکید به استفاده از خودارزیابی دانش‌آموزان
۲۳	توجه به ارزشیابی مستمر و تکوینی
۲۴	فراهم کردن امکان بازخورد مناسب و بموقع و تاکید بر ارزشیابی کیفی
۲۵	توجه به مشارکتی بودن و توجه به اشکال مختلف ارزشیابی
۲۶	تقدیر از تلاش‌های دانش‌آموزان نه در مقایسه با هم بلکه هر فرد نسبت به خودش
۲۷	تشویق دانش‌آموزان با توجه به فرآیند انجام دادن امور پژوهش به جای تمرکز بر نتایج و برون‌داد
۲۸	تشویق دانش‌آموزان برای ارتباط بیشتر با مراکز معتبر علمی برای دستیابی به پاسخ سؤالات
۲۹	تشویق برای نحوه جستجو و کاوشگری در منابع مختلف (کتابها، مقالات، گزارش‌ها، سایت‌ها و وب سایت‌ها و...) و میزان رجوع به منابع متعدد
۳۰	عضویت در انجمن‌های علمی و پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی
۳۱	دسترسی به منابع علمی گوناگون برای دستیابی به پاسخ سؤالات و انجام دادن پژوهش
۳۲	دسترسی به اینترنت
۳۳	برقراری ارتباط با دانش‌آموزان مدرسه خود و مدارس همجوار برای به اشتراک گذاری نتایج حاصل از پژوهش
۳۴	انگیزش پذیرندگان به یادگیری پژوهش
۳۵	نگرش پذیرندگان به پژوهش و فعالیت علمی

۳۶	تلقی پژوهش به عنوان یک ارزش و حفظ آن
۳۷	توسعه مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان
۳۸	حمایت مدیران مدارس از پژوهش
۳۹	طراحی ساختار مدارس براساس فعالیت‌های پژوهش
۴۰	مربیان آموزش‌دیده
۴۱	موانع ساختاری
۴۲	موانع نگرشی
۴۳	موانع مدیریتی
۴۴	افزایش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان
۴۵	تقویت تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان
۴۶	پیشرفت تحصیلی

در گام بعدی تلاش گردید مقوله‌های مشابه و مقارن، در تم‌های اصلی جای گیرند. بر اساس اشتراک مفهومی که مقولات با یکدیگر داشتند، تم‌ها، به شکل مفاهیم انتزاعی‌تری استخراج شدند. پس از تهیه و تنظیم جدول مفاهیم و مقولات اولیه، به عنوان گام نخست تحلیل کیفی اطلاعات حاصل از تحلیل محتوای مصاحبه‌ها، برای تکمیل این فرآیند، مفاهیم حاصله، در سطح بالاتر و تجریدی‌تر جهت دست‌یابی به تم‌های اصلی، گروه‌بندی شدند. پس از مقایسه‌ی مقولات گروه‌بندی شده، مقولات مرتبط با یکدیگر، در یک مضمون کلی دسته‌بندی شدند و بر اساس عناوین موجود در نظریه‌های مرتبط یا مفاهیم برخاسته از ادبیات تحقیق، عناوین کلی برای این مضمون‌ها در نظر گرفته شد.

به‌وسیله تعریف و بازبینی کردن، ماهیت آن چیزی که یک تم در مورد آن بحث می‌کند مشخص شد و تعیین شد که هر تم کدام جنبه از اطلاعات را در خود جای داده است. در جدول ۲، تم‌ها به طور مختصر و جامع ارائه می‌شوند:

جدول ۲- تم‌های مشترک استخراج شده از تحلیل‌ها

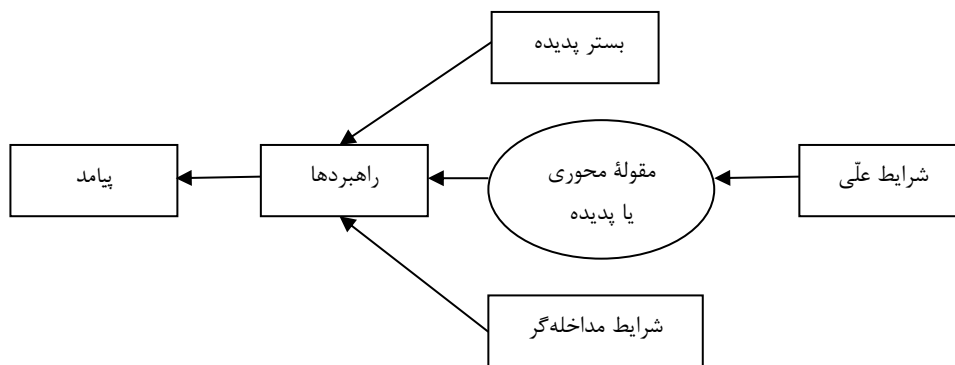
تم ۱، هدف‌گزینی پژوهش‌محور	
مفاهیم	انطباق سیاست‌های نظام آموزشی با برنامه‌ی درسی پژوهش‌های کاربردی
	پرورش مهارت و روحیه پرسشگری دانش‌آموزان
	مدیریت منابع انسانی مبتنی بر برنامه‌ریزی درسی پژوهش‌های کاربردی و تقویت توانایی منابع انسانی در ایجاد محیط مناسب برای طراحی و اجرای برنامه‌های درسی پژوهش‌محور
	وجود ساز و کارهای تشویقی (مادی و معنوی یا تشویق پژوهشی) در خصوص به مشارکت و داشتن معلمان در فرآیند برنامه‌ریزی درسی پژوهش‌های کاربردی
	تنظیم ساختار سازمانی و طراحی محیط آموزشی براساس رویکرد پژوهش‌محور
تم ۲، محتوای پژوهش‌های کاربردی	
مفاهیم	مرتبط بودن با تجارب زندگی واقعی دانش‌آموزان
	تناسب داشتن موضوعات و محتوای دروس با تجارب گذشته دانش‌آموزان
	افزایش سهم مشارکت معلمان در تدوین محتوای برنامه‌ی درسی پژوهش‌محور
	ارائه شواهد و دلایل تجربی در فعالیتهای آموزشی
	ایجاد فضا برای تبیین مساله و ارائه فرضیه جهت دستیابی به نتایج عملی
	توجه توأمان به گستره و عمق مفاهیم و اصول علمی
	توجه به نیازها و علایق دانش‌آموز و ارائه در یک قالب روشی
تم ۳، روش‌های تدریس	
روش‌ها	استفاده از روش‌های مساله محور و ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت در مباحث
	آموزش براساس فرآیند پروژه و تحقیق به منزله جزء لاینفک آن
	آغاز فرآیند آموزش با مسئله و سؤال به ویژه سؤالات چالش برانگیز برای عدم تعادل در ذهن
	استفاده از الگوهای فعال تدریس و آموزش برای تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، نوآوری، کنکاش و جستجوگری
	تاکید بر یادگیری از طریق حل مساله و انجام پژوهش
	توجه به نقش معلم به عنوان تسهیل‌کننده و راهنما
	توجه به ایجاد فهم و برقراری ارتباط بین مطالب علمی و توجه به نقش حواس
	توسعه مهارت‌های فرآیندی
تم ۴، روش‌های ارزشیابی	

منابع	تاکید به استفاده از پوشه فعالیت
	تاکید به استفاده از خودارزیابی دانش آموزان
	توجه به ارزشیابی مستمر و تکوینی
	فراهم کردن امکان بازخورد مناسب و بموقع و تاکید بر ارزشیابی کیفی
	توجه به مشارکتی بودن و توجه به اشکال مختلف ارزشیابی
تم ۵، تشویق پژوهش محور	
مقاییم	تقدیر از تلاش های دانش آموزان نه در مقایسه با هم بلکه هر فرد نسبت به خودش
	تشویق دانش آموزان با توجه به فرآیند انجام دادن امور پژوهش به جای تمرکز بر نتایج و برون داد
	تشویق دانش آموزان برای ارتباط بیشتر با مراکز معتبر علمی برای دستیابی به پاسخ سؤالات
	تشویق برای نحوه جستجو و کاوشگری در منابع مختلف (کتابها، مقالات، گزارشها، سایتها و وب سایتها و...) و میزان رجوع به منابع متعدد
تم ۶، برقراری ارتباطات دانش آموزان با منابع علمی	
منابع	عضویت در انجمن های علمی و پژوهشسراهای دانش آموزی
	دسترسی به منابع علمی گوناگون برای دستیابی به پاسخ سؤالات و انجام دادن پژوهش
	دسترسی به اینترنت
	برقراری ارتباط با دانش آموزان مدرسه خود و مدارس همجوار برای به اشتراک گذاری نتایج حاصل از پژوهش
تم ۷، ویژگی پذیرندگان	
منابع	انگیزش پذیرندگان به یادگیری پژوهش
	نگرش پذیرندگان به پژوهش و فعالیت علمی
	تلقی پژوهش به عنوان یک ارزش و حفظ آن
	توسعه مهارت های پژوهشی دانش آموزان
تم ۸، عوامل تسهیل کننده	
منابع	حمایت مدیران مدارس از پژوهش
	طراحی ساختار مدارس براساس فعالیت های پژوهش
	مربیان آموزش دیده

تم ۹، موانع پیش‌روی	
موانع ساختاری	موانع
موانع نگرشی	
موانع مدیریتی	
تم ۱۰، پیامدها	
افزایش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان	مفید
تقویت تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان	
پیشرفت تحصیلی	

کدگذاری محوری: هدف از کدگذاری در مرحله کدگذاری محوری، ایجاد رابطه بین مقوله‌های تولید شده می‌باشد. این عمل معمولاً "براساس الگوی پارادایم انجام می‌شود و به نظریه‌پرداز کمک می‌کند تا فرایند نظریه‌پردازی را به سهولت انجام دهد. اساس ارتباطدهی در کدگذاری محوری بر بسط و گسترش یکی از مقوله‌ها قرار دارد. تمرکز این مرحله بیشتر بر کدها و مفاهیم، و نه داده‌ها است. البته ممکن است که کدها یا مفاهیم جدیدی نیز در این مرحله ظهور یابند، ولی وظیفه اصلی، مرور و بررسی کدهای اولیه است. همچنین کدگذاری محوری براساس الگوی پارادایمی صورت می‌گیرد، بدین منظور دسته بندی‌های فرعی، با دسته بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط می‌شوند و هدف اصلی از این اقدام آن است که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام‌مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آنها تفکر کند.

در پژوهش حاضر، کدگذاری محوری بر اساس الگوی پارادایم (شکل ۱) صورت گرفته است. از آنجا که هدف اصلی این بوده که محقق را قادر سازد تا به صورت نظام‌مند در مورد داده‌ها و مرتبط کردن آنها تفکر کند، بنابراین دسته‌بندی‌های فرعی، با دسته‌بندی اصلی مطابق با الگوی پارادایم مرتبط شده و دسته‌بندی اصلی (مانند ایده یا رویداد محوری) به عنوان پدیده تعریف می‌شود و سایر دسته‌بندی‌ها، با این دسته‌بندی اصلی مرتبط می‌شوند. در این دسته بندی‌ها، شرایط علی، موارد و رویدادهایی هستند که منجر به ایجاد و توسعه پدیده می‌گردند. بستر یا زمینه، به مجموعه‌ای ویژه از شرایط، و شرایط مداخله‌گر به مجموعه گسترده‌تری از شرایط اشاره دارند که پدیده در آن قرار دارد. راهبردهای کنش یا تقابل، به اقدامات و پاسخ‌هایی اشاره می‌کنند که به‌عنوان نتیجه پدیده، رخ می‌دهند و در نهایت ستاده‌های خواسته یا ناخواسته این اقدامات و پاسخ‌ها، به پیامدها اشاره دارند.



شکل ۱- الگوی پارادایمی پژوهش

۱- **مقوله محوری: طراحی برنامه‌ی درسی پژوهش کاربردی:** با توجه به اینکه بر اساس الگوی طراحی شده، «طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی» به عنوان مبنا و ستون اصلی تحقق الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در نظر گرفته شده است، پس از جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها در مرحله کدگذاری باز، و بررسی ویژگی‌های ارائه شده، مقوله «طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی» به عنوان مقوله محوری انتخاب شد و عناصر طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی شامل هدف، محتوا، روش تدریس، تجارب یادگیری، زمان، فضا، گروه بندی و ارزشیابی در حوزه پژوهش کاربردی می‌باشد.

۲- **شرایط علی: روش‌های تعیین محتوا و تدریس و ارزشیابی:** شرایط علی، باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شوند. از میان مقوله‌های موجود، «محتوای پژوهش کاربردی»، «روش تدریس» و «روش ارزشیابی» به عنوان علی تلقی می‌شوند که نقش فعال‌تری در الگوی برنامه‌ی درسی پژوهش کاربردی داشته‌اند و چنانچه این عوامل مهیا نشوند، برنامه درسی پژوهش کاربردی محقق نمی‌شود.

۳- **کنش‌ها و تعاملات: تشویق‌های پژوهش محور و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با منابع علمی:** کنش‌ها و تعاملات بیانگر رفتارها، فعالیت‌ها و تعاملات هدف‌داری هستند که در پاسخ به مقوله محوری و تحت تاثیر شرایط مداخله‌گر، اتخاذ می‌شوند. به این مقوله‌ها راهنمدها نیز گفته می‌شود. که در تحقیق حاضر عبارتند از: تشویق‌های پژوهش محور دانش‌آموزان و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با منابع علمی.

۴- **شرایط مداخله‌گر: عوامل تسهیل کننده و موانع:** شرایط مداخله‌گر عواملی هستند که در اجرای خط‌مشی برنامه درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی، تاثیرگذار هستند. عواملی که در پژوهش حاضر در الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت

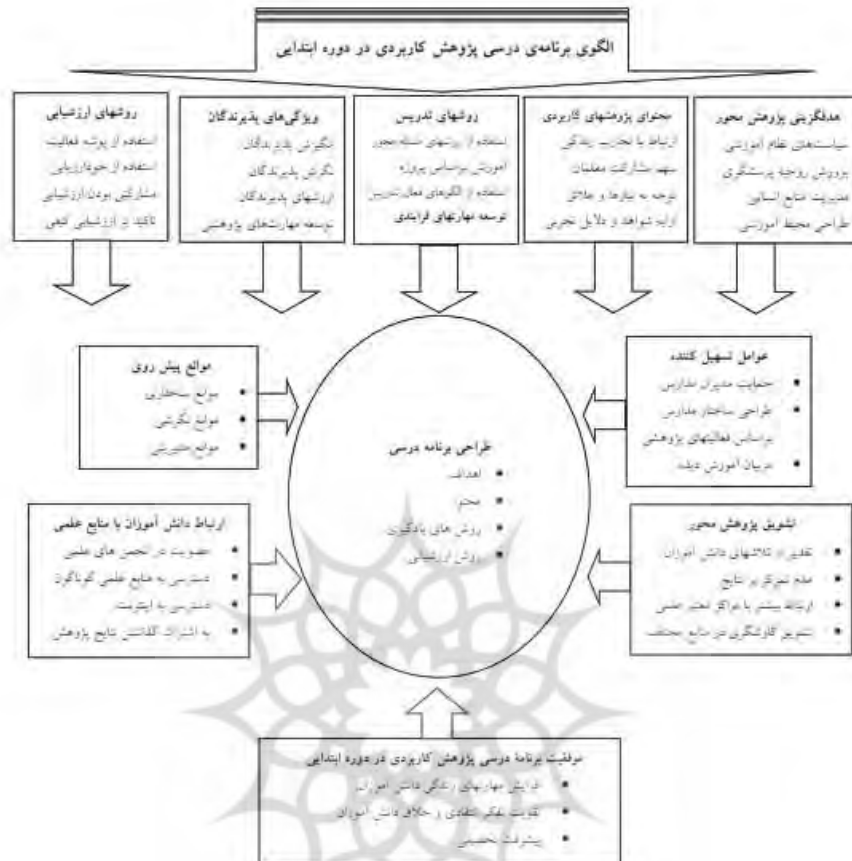
مدیران مدارس، طراحی ساختار مدارس براساس فعالیت‌های پژوهشی و مربیان آموزش‌دیده در حوزه تخصصی پژوهش‌های دانش‌آموز محور. همچنین موانع ساختاری، موانع نگرشی، و موانع مدیریتی، از جمله موانع پیش روی برنامه درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی هستند.

۵- بستر حاکم: ویژگی پذیرندگان: به شرایط خاصی که برکنش‌ها و تعاملات تاثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند و در الگوی معرفی شده عبارتند از: انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان، ارزش‌های پذیرندگان و توسعه مهارت‌های پژوهشی.

۶- پیامدها: موفقیت برنامه درسی پژوهش کاربردی: برخی از مقوله‌ها، بیانگر نتایج و پیامدهایی هستند که در اثر اتخاذ راهبردها به وجود می‌آیند. در پژوهش حاضر، افزایش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان، تقویت تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی، نتیجه‌ی کنش‌ها و تعاملات ایجاد شده و تاثیرپذیر از شرایط علی، مقوله محوری و بستر حاکم می‌باشد، که عوامل متعددی را شامل می‌شود.

کدگذاری انتخابی (مرحله‌ی نظریه‌پردازی): بر اساس نتایج کدگذاری باز و کدگذاری محوری، مرحله اصلی نظریه‌پردازی، کدگذاری انتخابی است. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکل نظام‌مند، به دیگر مقوله‌ها ربط داده و آن روابط را در چارچوب یک روایت ارائه کرده و مقوله‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. به عبارت دیگر در کدگذاری انتخابی مفاهیم به‌طور منظم به یکدیگر مربوط می‌شوند. بر همین اساس در مرحله کدگذاری انتخابی، ارتباط میان معیارهای الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی در قالب تحلیل روایت تحقیق، تعیین شدند. شکل (۲)، ایجاد ارتباط بین مقوله‌های مختلف شناسایی شده را در قالب الگوی پارادایم و تحت عنوان الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی نمایش می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل (۲) الگوی برنامه‌ی درسی پژوهش کاربردی در دوره ابتدایی

بر این اساس «طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی» به عنوان مقوله محوری، بر مبنای شرایط علی «محتوای پژوهش کاربردی» و «روش تدریس و ارزشیابی» و از طریق راهبردهای «تشویق‌های پژوهش-محور دانش‌آموزان» و «برقراری ارتباط دانش‌آموزان با منابع علمی» با در نظر گرفتن ویژگی پذیرندگان (به عنوان زمینه الگو) مشتمل بر انگیزش، نگرش و ارزش‌های پذیرندگان و نیز توسعه مهارت‌های پژوهشی محقق می‌شود و منجر به تحقق افزایش مهارت‌های زندگی دانش‌آموزان، تقویت تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان و پیشرفت تحصیلی ایشان، به عنوان پیامدهای مترتب بر اجرای برنامه درسی پژوهش کاربردی می‌گردد.

بحث و نتیجه گیری

دوره ابتدایی سرآغاز ورود دانش آموز به مدرسه و غوطه در فضای تعلیم و تربیت است و به عبارتی ریل‌گذاری زندگی آینده تحصیلی، شغلی، اجتماعی و فرهنگی و ... دانش آموز از همین دوره آغاز می‌شود و اگر به این نکته کلیدی توجه کنیم که نحوه و کیفیت آموزش‌هایی که در دوره ابتدایی به دانش آموزان داده می‌شود، نقش بسزایی در تعیین مسیر آینده او خواهند داشت، طراحی درسی تحت عنوان پژوهش کاربردی برای این دوره و لزوم آشنایی دانش آموزان در دوره ابتدایی با مقوله پژوهش بیش از پیش مشخص خواهد شد. با این رویکرد می‌توان طراحی درسی رسمی تحت عنوان "پژوهش کاربردی" در مدارس را به‌عنوان نسخه‌ای درمانگر معرفی نمود. درسی که از بدو ورود دانش آموز به مدرسه و از همان کلاس اول دبستان وی را با مهارت‌های تفکر و تکنیک‌های حل مساله، با در نظر گرفتن سن عقلی دانش آموزان، به ایشان آموزش دهد. طراحی درسی با عنوان پژوهش کاربردی علاوه بر الزام معلمان به تدریس این درس در قالب درسی رسمی، قبل از هر چیز معلمان را مجبور خواهد کرد که برای افزایش توان ایشان بمنظور تدریس مطلوب این درس، خود به دنبال کاوشگری رفته و با تحقیق و پژوهش آشنا شوند و از دیگر سو، محصول مدارس را از دانش‌آموزانی که به محفوظات صرف بسنده می‌کنند، به افراد محقق و پژوهشگر با روحیه کاوشگری بدل نماید که در مواجهه با مشکلات پیش روی در زندگی، با تلاش و جستجو راه حل‌های مفید برای برون رفت از مشکلات بیابند. در همین راستا، در پژوهش حاضر این سوال مطرح شد که الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی چگونه است؟

برای پاسخ به این سوال، محقق پژوهش حاضر با استفاده از روش گراند تئوری اقدام به طراحی مدلی برای برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی نمود. فلذا ده عنوان هدف-گزینی پژوهش محور، محتوای پژوهش‌های کاربردی، روش‌های تدریس، روش‌های ارزشیابی، تشویق پژوهش محور، برقراری ارتباطات دانش‌آموزان با منابع علمی، ویژگی پذیرندگان، عوامل تسهیل‌کننده، موانع پیش‌روی و پیامدها بعنوان تم‌های اصلی این الگو مشخص شدند.

از طرفی، همان‌گونه که پیش‌تر در بخش مبانی نظری همین پژوهش بدان پرداخته شد، براساس نظر زایس، برنامه درسی از هر نوعی که باشد ضرورتاً دارای چهار عنصر «هدف، محتوا، روش‌های یادگیری و روش ارزشیابی» است (Zais, 1976). همچنین کلاین عناصر برنامه درسی را در قالب نه عنصر اهداف، محتوا، راهبردهای یاددهی-یادگیری، موادآموزشی، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های ارزشیابی، گروه‌بندی فراگیران، زمان و فضا طبقه‌بندی کرده است (Klein, 1991)، در پژوهش حاضر نیز براساس یافته‌های پژوهش که برآمده از نتایج مصاحبه صورت گرفته از متخصصان و اساتید رشته-های برنامه‌ریزی درسی، آموزش ابتدایی و مدیریت آموزشی در دانشگاه فرهنگیان و پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش، عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی

شناسایی شدند. بر همین اساس مولفه‌های اهداف، محتوا، روش تدریس، تجارب یادگیری، زمان، فضا، گروه‌بندی و روش ارزشیابی به عنوان عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مشخص شدند. برای پاسخ به سوال اصلی پژوهش مبنی بر اینکه الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی چگونه الگویی است، لازم است تا ارتباط میان مقوله‌های مستخرج از پژوهش حاضر با عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی تبیین گردد.

بر اساس یافته‌های پژوهش، توجه به تعیین اهداف به عنوان اولین عنصر از عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی انتخاب شده است. بدین منظور لازم است تا در طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی، هدف‌گزینی پژوهش‌محور با انطباق سیاست‌های نظام آموزشی با برنامه‌های درسی پژوهش کاربردی و مدیریت منابع انسانی مبتنی بر برنامه ریزی درسی پژوهش کاربردی و همچنین تقویت توانایی منابع انسانی در ایجاد محیط مناسب برای طراحی برنامه‌های درسی پژوهش‌محور صورت گرفته و برای تحقق اهداف برنامه درسی، تنظیم ساختار سازمانی و نیز طراحی محیط آموزشی بر اساس رویکرد پژوهش‌محور صورت پذیرد تا افزایش مهارت‌های زندگی و تقویت تفکر انتقادی و خلاق دانش‌آموزان همراه با پیشرفت تحصیلی ایشان محقق شود. نتایج بدست آمده در پژوهش حاضر از لحاظ اهداف برنامه درسی با نتایج بدست آمده از تحقیقات Shokrollahi Yancheshmeh and et al (2016)، Javdani and et al (2019)، Maleki and et al (2016)، Makhzan (2014)، Jafari and et al (2015)، Ayatollahi and et al (2015)، (2016 D.)، YoosefZadeh (2011)، Azimi Yancheshmeh and et al (2011)، Abdollahi (2011)، Ritzhaupt and Florence (2014)، Stokking and et al (2004) و Schuyten (2001) همسو می‌باشد، چرا که در تحقیقات این پژوهشگران، هدف‌گزینی منطبق با برنامه درسی طراحی شده، برای تحقق برنامه درسی، مورد توجه و تاکید قرار گرفته است.

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، محتوای برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی به عنوان دومین عنصر از عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌بایست که با تجارب زندگی واقعی دانش‌آموزان مرتبط بوده و با تجارب گذشته دانش‌آموزان تناسب داشته باشد. همچنین لازم است تا معلمان در تدوین محتوای برنامه درسی پژوهش‌محور مشارکت داشته و در فعالیت‌های آموزشی نسبت به ارائه شواهد و دلایل تجربی اقدام نمایند. نتایج حاصله از پژوهش حاضر از لحاظ محتوای برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی با نتایج تحقیقات Jafari and et al (2015)، Moradi and et al (2015)، Maleki and et al (2016)، YousefZadeh (2011)، Abdollahi (2011) و Stokking and et al (2004) از آن جهت که این پژوهشگران در تحقیقات خود استفاده از محتوای پژوهش‌های کاربردی را مورد تاکید قرار داده‌اند، همسو می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، روش تدریس به عنوان سومین عنصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مدنظر قرار گرفته است. در همین راستا معلمان گرامی باید با استفاده از روش‌های مسئله محور، موجب ترغیب دانش‌آموزان به مشارکت ایشان در مباحث شده و آموزش‌های کلاسی را براساس فرآیند پروژه و تحقیق طرح‌ریزی نمایند. معلمان موظفند تا به عنوان تسهیل‌کننده و راهنما در فرایند یادگیری دانش‌آموزان، ضمن توجه به نقش حواس در ایجاد فهم و برقراری ارتباط بین مطالب علمی، موجب توسعه مهارت‌های فرایندی دانش‌آموزان شوند. بدین منظور لازم است تا از الگوهای فعال تدریس، برای تقویت تفکر انتقادی، خلاقیت، نوآوری، کنکاش و جستجوگری دانش‌آموزان در کلاس درس استفاده نمایند. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ روش تدریس برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی با نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط Aadelipoor and et al (2016)، Maleki and et al (2016)، Shokrollahi Yancheshmeh and et al (2016)، D. Ritzhaupt، Abdollahi (2011)، YousefZadeh (2011)، Moradi and et al (2015)، al (2016)، and Florence (2014)، Stokking and et al (2004) و Schuyten (2001) از آن جهت که این پژوهشگران نیز در تحقیقات خود استفاده از روش‌های تدریس منطبق با نوع برنامه درسی را جهت تحقق برنامه درسی مورد تاکید قرار داده‌اند، همسو می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، عنصر تجارب یادگیری به عنوان چهارمین عنصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی از طریق دسترسی دانش‌آموزان به اینترنت و عضویت دانش‌آموزان در انجمن‌های علمی گوناگون و نیز فعالیت در پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی به منظور دستیابی به پاسخ سوالات و انجام دادن پژوهش، موجب تحقق برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی خواهد شد. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ تجارب یادگیری با نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط Javdani and et al (2019)، Shokrollahi Yancheshmeh and et al (2016)، Stokking and et al (2016)، Aadelipoor and et al (2016)، Moradi and et al (2015)، Abdollahi (2011) و (2004) et al از آن منظر که این پژوهشگران نیز در تحقیقات صورت گرفته به عضویت دانش‌آموزان در انجمن‌های علمی و نیز دسترسی دانش‌آموزان به منابع علمی گوناگون به عنوان عاملی جهت توفیق دانش‌آموزان جهت یادگیری مطلوب برنامه درسی تاکید داشته‌اند، همسو می‌باشد.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، عنصر زمان به عنوان پنجمین عنصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در تحقق برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی می‌تواند پیش از اتمام دوره تحصیلی ابتدایی و در بدو ورود دانش‌آموزان به مقاطع بالاتر، باعث ایجاد نگرش پژوهشی نسبت به فرایند یادگیری نزد دانش‌آموزان شده و سبب ساز توسعه مهارت‌های پژوهشی دانش‌آموزان در مقاطع بالاتر تحصیلی گردد. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ عنصر زمان، با نتایج تحقیقات صورت گرفته توسط Ayatollahi and et al (2015)، Jafari and et al (2015)

و (2001) Schuyten از آن لحاظ که ایشان نیز در تحقیقات خود نسبت به توجه به عنصر زمان در تحقق برنامه های درسی تاکید داشته اند، همسو می باشد.

براساس یافته های پژوهش حاضر، عنصر فضا به عنوان ششمین عنصر در برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی باید با رفع موانع ساختاری در مدارس و از طریق توجه به توسعه پژوهشسراهای دانش آموزی به عنوان محیطی جهت تحقیق و پژوهش دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ عنصر زمان در برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی با نتایج تحقیقات (Makhzan (2014)، (Yousef Zadeh (2011)، (Segev (2016) و (2001) Schuyten از آن لحاظ که ایشان نیز در تحقیقات خود توجه به عنصر فضا را به عنوان یکی از عناصر اصلی تحقق اهداف پژوهش های دانش آموزان مورد تاکید قرار داده اند، همسو می باشد.

براساس یافته های پژوهش حاضر، عنصر گروه بندی به عنوان هفتمین عنصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی باید به منظور انگیزش دانش آموزان جهت یادگیری پژوهش مورد توجه قرار گیرد تا موجبات ایجاد نگرش مثبت دانش آموزان نسبت به پژوهش و فعالیت های علمی شده و ایشان را در توسعه مهارت های پژوهشی ترغیب نموده و سبب ساز حفظ روحیه پژوهشگری دانش آموزان به عنوان یک ارزش شده و همچنین ایشان را به مشارکت بیشتر در فعالیت های گروهی تشویق و ترغیب نماید. نتایج پژوهش حاضر از لحاظ عنصر گروه بندی، با نتایج حاصله از (Maleki and et al (2016)، (Azimi Yancheshmeh and Adelipoor and et al (2016)، (D. Ritzhaupt and Florence (2014) و (2011) et al، (2016) Segev و (2014) D. Ritzhaupt and Florence بدلیل آنکه ایشان نیز در نتایج تحقیقات خود توجه به عنصر گروه بندی را موجبات رشد و توسعه فعالیت های پژوهشی دانسته اند، همسو می باشد.

براساس یافته های پژوهش حاضر، ارزشیابی به عنوان هشتمین عنصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش آموزان دوره ابتدایی مطرح می شود. بر همین اساس در ارزشیابی از فعالیت های دانش آموزان در برنامه درسی پژوهش کاربردی دانش آموزان دوره ابتدایی به معلمان گرامی توصیه می شود که ارزشیابی دانش آموزان را با تاکید بر استفاده از پوشه فعالیت، به صورت مستمر و تکوینی و با عنایت ویژه به مشارکتی بودن و فراهم نمودن امکان بازخورد مناسب و به موقع انجام دهند. به همین منظور استفاده از خودارزیابی دانش آموزان با بهره گیری از روش ارزشیابی کیفی مورد تاکید قرار می گیرد. البته توجه به این نکته بسیار حائز اهمیت است که ارزشیابی فعالیت های دانش آموزان باید جهت تقدیر از تلاش های دانش آموزان و به منظور مقایسه عملکرد هر فرد نسبت به توانایی خودش صورت گیرد و از هرگونه مقایسه افراد با یکدیگر خودداری شود. ارزشیابی عملکرد دانش آموزان به منظور تشویق دانش آموزان برای ارتباط بیشتر با مراکز معتبر علمی جهت دستیابی به پاسخ سوالات، و نیز تشویق ایشان به جستجو و کاوشگری در منابع مختلف کتابها و مقالات و سایر منابع علمی به

عنوان یک راهبرد مدنظر قرار گرفته و به جای تمرکز بر نتایج و برونداد، تشویق دانش‌آموزان با توجه به فرایند انجام دادن امور پژوهشی، مورد توجه قرار گیرد. نتایج حاصل از پژوهش حاضر از لحاظ عنصر ارزشیابی با نتایج تحقیقات (Javdani and et al (2019)، (Adelipoor and et al (2016)، (Yoosef (2011)، (Zadeh (2011)، (Abdollahi (2011)، (Segev (2016) و (Stokking and et al (2004) همسو می‌باشد. چرا که ایشان نیز در نتایج تحقیقات خود توجه به عنصر ارزشیابی را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی برنامه درسی مورد توجه قرار داده و آن را به‌عنوان یکی از ابزارهای آسیب‌شناسی نقاط ضعف و قوت برنامه درسی در جریان اجرای آن مورد تاکید قرار داده‌اند. توجه به رویکرد کیفی در ارزشیابی مستمر و تکوینی، و نیز فراهم نمودن امکان بازخورد مناسب به دانش‌آموزان به‌عنوان عامل مهمی جهت انگیزش دانش‌آموزان مورد توافق همه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزه برنامه درسی می‌باشد.

براساس نتایج حاصل از بررسی مدل ارائه شده، "طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی" به‌عنوان مبنا و ستون اصلی جهت تحقق الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مطرح نظر قرار می‌گیرد. با عنایت به لزوم توجه به تمام عناصر هشت‌گانه برنامه درسی پژوهش کاربردی در طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی، از میان هشت عنصر طرح شده در این الگو، عناصر «محتوای پژوهش کاربردی»، «روش تدریس» و «روش ارزشیابی» به‌عنوان عناصری تلقی می‌شوند که نقشی فعال‌تر در الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی داشته و چنانچه این عوامل مهیا نشوند اجرای برنامه درسی پژوهش کاربردی با مخاطرات جدی روبرو خواهد شد. همچنین در پژوهش حاضر، تشویق‌های پژوهش محور دانش‌آموزان و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با منابع علمی به‌عنوان راهبرد در نظر گرفته شد و عواملی که در پژوهش حاضر در الگوی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی، نقش عوامل تسهیل‌گر را ایفا می‌کنند عبارتند از: حمایت مدیران مدارس، طراحی ساختار مدارس براساس فعالیت‌های پژوهشی و مربیان آموزش‌دیده در حوزه تخصصی پژوهش‌های دانش‌آموز محور، و همچنین، انگیزش پذیرندگان، نگرش پذیرندگان و ارزش‌های پذیرندگان و توسعه مهارت‌های پژوهشی به‌عنوان بستر در نظر گرفته شدند.

پیشنهادات برای پژوهش‌های آتی

الف) اجرای این تحقیق با دامنه گسترده‌تر، به منظور مطالعه تأثیر متغیرهایی از قبیل جنسیت دانش‌آموزان یا سطح تحصیلات اولیای دانش‌آموزان بر اجرای برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام گیرد.

ب) اجرای این تحقیق به منظور مطالعه تطبیقی کیفیت اجرای برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی در مدارس دولتی و غیردولتی مورد بررسی قرار گیرد.

ج) پیشنهاد می‌شود اثر متغیرهای مزاحم بر عناصر برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد.

د) پیشنهاد می‌شود عوامل مؤثر بر طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی براساس مدل تصمیم‌گیری چند معیاره شناسایی و اولویت‌بندی شوند. مدل تصمیم‌گیری چند معیاره، مدل مناسبی برای مقایسه زوج به زوج ابعاد الگو می‌باشد که به صورت ماتریس و فازی به تعیین ابعاد دارای ارجحیت بیشتر می‌پردازد.

ه) پیشنهاد می‌شود که طی پژوهشی، الگوی مطلوبی برای طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان پیش دبستانی طراحی شده و مورد اعتباربخشی قرار گیرد.

و) پیشنهاد می‌شود تا طی پژوهشی، مدلی برای طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان متوسطه دوره اول و دوره دوم طراحی شده و مورد اعتبار بخشی قرار گیرد.

ز) پیشنهاد می‌شود تا طی پژوهشی، مدلی برای طراحی برنامه درسی پژوهش کاربردی برای دانش‌آموزان مدارس استثنایی طراحی شده و مورد اعتبار بخشی قرار گیرد.

References

- Aadelipoor, Z., Mahram, B., & Karashki, H. (2016). The Place of Pivotal Research in the Teaching Process of Primary Teachers. *National Conference on New Research in Psychology, Counseling and Educational Sciences*, Ahvaz, Islamic Azad University of Shadegan Branch. [In Persian]
- Abbasi Esfjir, A. A., & Jafari Rostami, S. M. (2016). *Research-oriented School Model*, Sari, University Jihad of Mazandaran Branch. [In Persian]
- Abdollahi, B. (2011). Research-oriented Learning to Foster the Spirit of Research and Follow-up in Students. *2nd National Congress of the Humanities*, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Ayatollahi, F., Amini, N., & Salari Chineh, P. (2015). The Necessity for Research-oriented Education at Farhangian University. *2nd International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle*, Mash'had, Torbat Heydarieh University. [In Persian]
- Azimi Yancheshmeh, A., Amirpoor, A. A., & Mamizadeh, R. A. (2011). Causes of Lack of Research Spirit and the Strategies for Enhancing It in Students. *2nd National Conference on Research and Technology Management*, Tehran, Science, Technology and Industry Policy Research Institute. [In Persian]
- Backanak, A. (2013). Teachers Views about Science and Technology Lesson Effects on the Development of Students' Entrepreneurship Skills. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 13 (1), "http://www.edam.com.tr/estp"
- Creswell, J. W. (1994). *Research Design: Qualitative and Quantitative Approaches*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- D. Ritzhaupt, A., & Florence, M. (2014). Development and validation of the educational technologist multimedia competency survey. *Education tech research dev*, 62:13-33.
- Delavar, A. (2011). *Research Methods in Psychology and Educational Sciences*, Tehran, Vrayesh. [In Persian]

- Dibaei, M., Jafari Sani, H., & Rashidi, Z. (2010). The Extent of the Conflict Between the Persian Curriculum of the Third and Fourth Grades of Primary School (With Literacy Skills Based on Perls International Study). *Quarterly Journal of Educational Innovation*, 9(36), 29-49. [In Persian]
- Fathi Vajargah, K. (2006). *Research needs assessment*, Tehran, Aeezh. [In Persian]
- Ghourchian, N. GH., Maleki, H., & Khadivi, A. A. (2004). *Curriculum Design and Engineering in the Third Millennium*, Tehran, Farashenakhti Andisheh. [In Persian]
- Hafez Nia, M. R. (2003). *An Introduction to the Research Method in Humanities*, 8th ed, Tehran, Samt. [In Persian]
- Hashemi, S. A., & Khodabakhsi Sadegh Abadi, F. (2017). Hidden Curriculum and its Role in Schools. *New Advances in Behavioral Science*, 8, 28-42. [In Persian]
- Hashemi, S. A. (2015). *Curriculum (Principles and Usage)*, 2nd ed, Lamard, Islamic Azad University of Lamard Branch. [In Persian]
- Hashemi, S. A. (2019). *Philosophy of Education in the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Math Home. [Persian]
- Hashemi, S. A., & Hazrati, A. (2015). *Research Methods in the Humanities*, Tehran, Taymaz. [In Persian]
- Jafari, Z., Samadi, P., & Ghaedi, Y. (2015). Investigating the Effect of Teaching Philosophy to Children on Fostering the Research Spirit of Preschool Children. *Scientific Research Quarterly Journal of Curriculum Research*, 2nd Period, 17, 41-49. [In Persian]
- Javdani, M., Foulad Chang, M., & Marzoughi, R. A. (2019). The Impact of Implementing the Quality Model of Teaching-Learning Processes Management on Meeting the Needs and Academic Performance of Primary School Students. *Scientific Research Magazine of Curriculum Researches*, 9(18), 27-43. [In Persian]
- Klein, M. (1991). The emotional life and edg-development of the infant with special reference to the depressive position, in P. King and R. Steiner (eds) *The Freud-Klein Controversies 1941-1945*. London: Tavistock/Routledge. (First presented in 1944).757.
- Makhzan, B. (2014). Pathology of Research Culture in Schools Based on the Three-pronged Model, 2nd *International Conference on Management of Challenges and Strategies*, Shiraz, Hemayesh Negar Scientific Conference Center. [In Persian]
- Maleki, H. (2016). *Curriculum (Guide to Practice)*, 2nd ed, Tehran, Borhan School Cultural Institute. [In Persian]
- Maleki, H., Ghazi Ardekani, R., Sadeghi A. R., & Dortaj, F. (2016). Research-oriented Approach in Education: Nature, Necessities, Components and Educational Strategies. *Quarterly Journal of Qualitative Research in Curriculum*, 2(5), 35-66. [In Persian]
- Marzoughi, R. A., Torkzadeh, J., Jabari, S., & Norouzi, N. A. (2019). Designing the Curriculum Framework of the Preschool Teacher Training in the Education System of the Islamic Republic of Iran. *Scientific Magazine of Curriculum Researches*, 9(17), 1-29. [In Persian]
- Mazbouhi, S. (2017). *The Emerging Principles and Concepts of the Primary School Curriculum*, Tehran, Avaye Noor. [In Persian]
- Mehr Mohammadi, M. (2014). *Curriculum: Comments, Approaches and Perspectives*, Tehran, Behnashr. [In Persian]

- Mirza Beigi, M. A. (2005). *Curriculum and Lesson Planning in Formal Education and Manpower Training*, Tehran, Yastaroon. [In Persian]
- Mohammadi, Y., Keykha, A. R., & Alipour Moghadam, Kh. (2016). Balanced Curriculum Design with an Instinctive and Spiritual Curriculum Approach. *Quarterly Journal of Research in Islamic Education*, 24(32), 109-135. [In Persian]
- Moradi, M., Ansarian, Z., Nikian, M., & Imani, J. (2015). The Research-oriented Approach and the Growth and Excellence of the Educational System. *2nd National Conference on New Ideas in Management and Economics*, Tehran, Kian Pazhoohan Scientific Institute. [In Persian]
- Saadatmand, Z., & Tigh Bakhsh, S. (2017). *Peace Education Curriculum in Primary Schools*, Isfahan, University Jihad. [In Persian]
- Saki, R. (2005). *Action Research: A Strategy for Improving Education and Teaching*, Tehran, Ministry of Education. [In Persian]
- Salsabili, N. (2014). Feasibility Study of the Application of the School-based Curriculum Approach in Three Distinct Ways: Acceptance, Adaptation and Review. *Iranian Curriculum Studies Quarterly Journal*, 9(33), 92-128. [In Persian]
- Schuyten, G. (2001). Discussion research skills: A closely Connected triplet of research area, research methodology and statistics. *Training Researchers in the Use of Statistics*, 6, 227-230.
- Segev, A. (2016). Does classic school curriculum contribute to morality? Integrating school curriculum with moral and intellectual education. *Educational Philosophy and Theory*, 1-10.
- Shokrollahi Yancheshmeh, Sh., Mohamadkhani, M., & Salmani, Z. (2016). Investigating the Needs Assessment of Primary School Teachers in Relation to Research Education. *2nd Physical Education National Conference, Isfahan*, Farhangian University. [In Persian]
- Stokking, K., Schaaf, M. V., Jaspers, J., & Erkens, G. (2004). Teachers' assessment of students' research skills. *British Educational Research Journal*, 1, 30, 116- 93.
- Strauss, A. L., & Corbin, J. (1992). *Basics of qualitative research: Grounded theory: Procedures and Technique. (2nd Edition)*; Sage, Newbury Park, London.
- Yidana, M. B., & Aboagye, G. K. (2018). Management of Curriculum Change: A Mechanism for Ensuring Continuous Academic Improvement in Ghanaian Universities. *International Journal for Innovation Education and Research*, 6(2), 41-60.
- Yousefzadeh, M. (2011). Production of research-based curricula as an indicator of qualitative development of the educational system. *The first national conference on education in Iran 1404*, Tehran, Science, Technology and Industry Policy Research Institute. [In Persian]
- Zais, R. S. (1976). *Curriculum principles and foundations*. New York: Thomas. Y. Crowell Company.